11
07
19
۵شنبه
۲۰ تیر ۱۳۹۸
۰۸ ذی‌القعده ۱۴۴۰
شماره ۲۸۷۰

ادامه یادداشت از یک

حضور عینی مردم در مدیریت شهری

حجت‌الاسلام محمدرضا زائری
کارشناس مسائل فرهنگی

...چقدر ناخوشایند است، اینکه عامل این واکنش خستگی همان لحظه بوده یا مسائل و مشکلات مختلفی از گذشته وجود داشته، اینکه اساسا کار شهردار در استفاده از بلندگو برای یک مکالمه شخصی صحیح است یا خیر و...)، ۲ نکته مهم وجود دارد؛

اول، صداقت معاون شهردار در قبول اشتباه و پذیرش مسئولیت و عذرخواهی صریح است؛ درحالی که همه می‌دانیم چنین کلمات و گفتارهایی متأسفانه در پشت صحنه همیشه وجود دارد و خواهد داشت و چه بسا معاون شهردار می‌توانست خطای خود را با بهانه‌های مختلف توجیه کند و در رواج و فراگیری خطا دستاویزی برای خود بیابد، اما بدون معطلی از کار کناره گرفت و موضوع خاتمه یافت.

دوم، قاطعیت شهردار مشهد در مواجهه با خطای معاون خود و قبول مشکل و پذیرش مسئولیت و تعهد مدیریتی خویش است؛ درحالی که شاید او هم می‌توانست مانند برخی مدیران توپ را به زمین دیگران بیندازد و به اصطلاح جاخالی بدهد.

شاید بگویید با علنی شدن موضوع، راه دیگری برای شهردار و معاونش باقی نمانده بود و آنان گزینه دیگری نداشته‌اند و درواقع فشار افکار عمومی و قدرت شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها به‌عنوان وکلای واقعی مردم بوده که معاون شهردار را به استعفا و شهردار را به قبول استعفا مجبور کرده است. کسانی که با فضای اداری و خصوصیات مدیران کشور آشنا هستند، می‌دانند که متأسفانه قضیه به این سادگی و راحتی هم نیست، ولی حتی اگر فرض ناچاری را هم بپذیریم، نتیجه و حاصلی جز اثبات حضور قدرتمند مردم در صحنه و اثرگذار بودن واقعی شهروندان در نظام مدیریتی ندارد و این موضوع را باید به فال نیک گرفت.

پیام این استعفا خیلی بزرگ‌تر از شخص یا اشخاص و حادثه و مسئله مصداقی است. در این تجربه باید قدرت حضور مردم و تسلیم و کرنش مسئولان در برابر مردم را دید و به آن دل‌شاد و امیدوار بود. اکنون، هم باید قدردان این پذیرش مسئولانه مدیران شهری بود و هم باید کوشید که این حضور مقتدرانه و عینی مردم در مدیریت شهر حفظ شود و استمرار یابد.

فیلم بین

«قاطر»؛ لذت تماشای زندگی کلینت ایستوود

عماد پورشهریاری| لذت تماشای یک فیلم به چه عواملی بستگی دارد؟ کدام ویژگی ممکن است شما را به دیدن یک فیلم ترغیب کند؟ داستان، ژانر، گروه بازیگران، کارگردان و... قلاب‌هایی است که مخاطب را پای دیدن یک فیلم می‌نشاند اما گاهی وجود تنها یک نام در پیشانی یک فیلم می‌تواند برای تماشای آن فیلم کافی باشد. «کلینت ایستوود» قطعا یکی از این نام‌هاست؛ ایستوود هشتادوهشت‌ساله‌ای که چند نسل را با هنر و البته تسلطش بر سینما مسحور کرده است.

«قاطر» (Mule) آخرین فیلم این کهنه‌کارگردان آمریکایی است که خودش علاوه‌بر کارگردانی، نقش اصلی آن را هم برعهده دارد. قاطر داستان پیرمردی به نام لئو است که به‌ظاهر از کار افتاده است. لئو تمام زندگی‌اش را وقف کار کرده است. همسر و خانواده‌اش در همه این سال‌ها در اولویت بعدی او بوده‌اند. در نودسالگی کسب‌وکارش را به فناوری باخته است و انگار همه منتظر مرگ او هستند. لئو اما تسلیم روزگار و سن‌وسالش نشده است و می‌خواهد دست‌کم برای نوه‌اش، پدربزرگ بهتری باشد و البته به خود ثابت کند که برای شروع یک ماجراجویی جدید هنوز فرصت هست. چه تجارتی می‌تواند یک شبه‌وانت زهواردررفته و کهن‌مرد را به پیکاپی آخرین‌مدل تبدیل کند؟ پول، شاید راهی برای جبران همه اشتباهات گذشته باشد؛ پولی که برای خودنمایی باید حجم و اندازه‌ای بزرگ داشته باشد. بهترین راه به‌احتمال زیاد قاچاق موادمخدر است؛ به‌خصوص اینکه هیچ‌کس به یک پیرمرد خوش‌تیپ و خوش‌سروزبان شک نخواهد کرد، حتی اگر قرار باشد او به یکی از جابه‌جاکنندگان بزرگ موادمخدر در آمریکا تبدیل شود و هدف شماره یک سیستم کارآگاهی و پلیسی این کشور شود. قاطر (کنایه از جابه‌جاکننده مواد مخدر) پروژه‌ای است که ایستوود از سال ۲۰۱۲ آن را شروع کرده است. فیلم، اکشن زیادی ندارد. داستانش هم ساده و پیش‌بینی‌پذیر است. سایر ستارگانش مثل بردلی کوپر، لارنس فیشبورن، مایکل پنیا و اندی گارسیا هم نکته ویژه‌ای به کارنامه بازیگری خود اضافه نکرده‌اند اما ایستوودی دارد که لذت تماشای جنگیدن و زنده بودنش و البته موفقیتش برای یک فیلم کافی است؛ درست مثل تماشای کاراکترش، لئو.

به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می‌باش

توی بازی زندگی دست‌آخر آن‌هایی برنده می‌شوند که سخت نمی‌گیرند؛ آن‌ها که برای کم و زیاد دنیا هر روز در سرشان واویلا نیست و خودشان را نمی‌خورند. آخر بازی زندگی، آن‌هایی برنده هستند که ماهی خیالشان در تنگ آرام ذهنشان بالغ و بزرگ شده است، نه آن‌هایی که ماهی‌شان در افکار داغ و درحال جوشیدنشان، از بین رفته و تباه شده است.

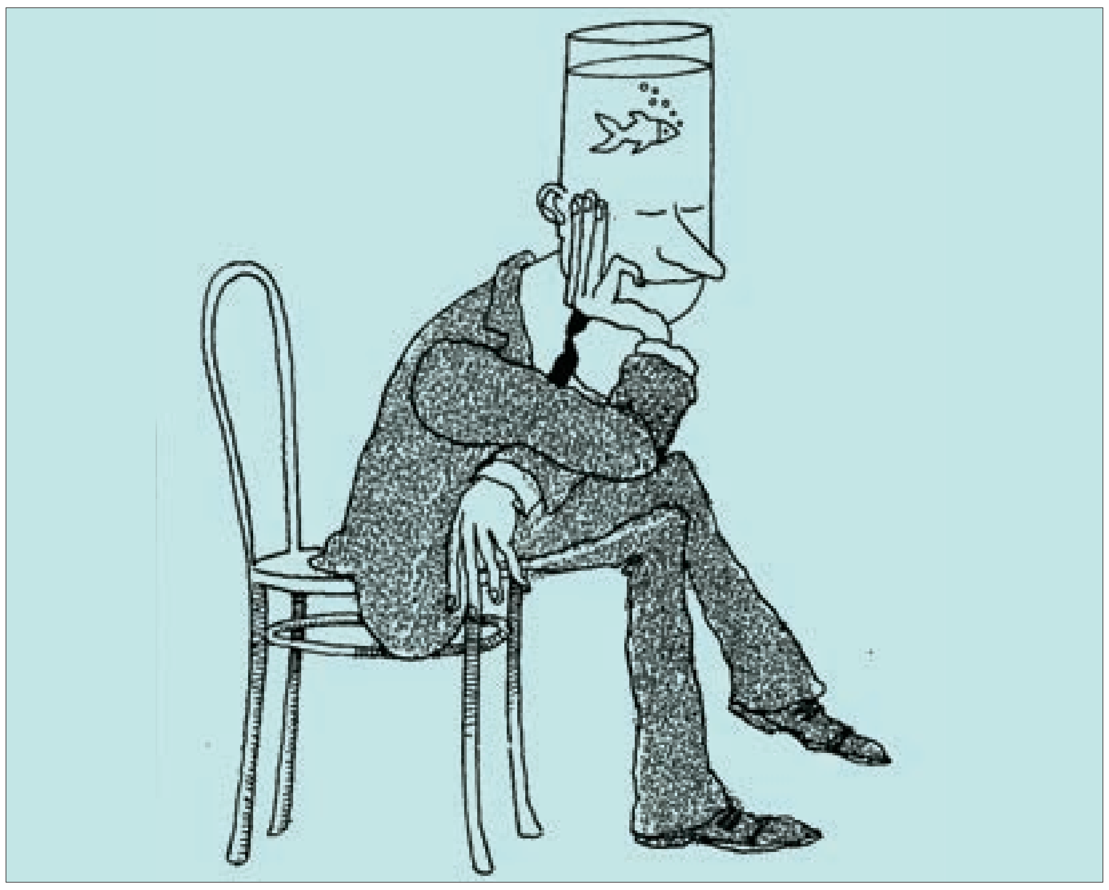

طرح: Quino

به وقت گشت و گذار

سینما را بی‌خیال، هیولا را بچسب

اگر فیلم‌هایی مثل کار کثیف، سرخ‌پوست، شبی که ماه کامل شد، متری شش‌ونیم، زهرمار، تگزاس ۲ و... را که هفته‌های قبل در این ستون پیشنهاد دادیم، تماشا کرده‌اید، سینما فیلمی جدید، جز چند کمدی آب‌دوغ‌خیاری (مثلا شما متوجه نشدید که داریم درباره ایکس‌لارج و سامورایی در برلین صحبت می‌کنیم) برای شما نخواهد داشت، پس بی‌خیال سینما شوید و این هفته راهتان را کج کنید سمت یکی از فروشگاه‌های محصولات فرهنگی محله‌تان و اگر هنوز سریال «هیولا»ی مهران مدیری را ندیده‌اید، دیدن آن را شروع کنید. هیولا هرچه جلو می‌رود، بهتر می‌شود و کمدی آن هم برخلاف بعضی فیلم‌های سینما، مبتذل نیست و حرف حساب برای گفتن دارد.

یک دعوای موزیکال بر سر ارث

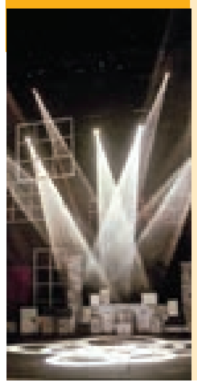

«بوز، پیرمرد ثروتمند ساکن فلورانس، درحال گذراندن ساعت پایانی عمرش است که خانواده او متوجه می‌شوند در وصیت‌نامه‌اش هیچ چیز برای آن‌ها نگذاشته است». این خلاصه نمایش موزیکال و کمدی «جانی سکیکی» است که این شب‌ها در سالن اصلی تئاتر شهر در پارک ملت روی سن می‌رود. حسین اکبرپور کارگردانی این اثر را برعهده دارد و نمایشنامه آن نوشته جواکینو فورزانوست. درکنار داستان جالب نمایش، موسیقی آن هم نظر تماشاگران را جلب خواهد کرد. درضمن لادا کافیان آهنگ‌سازی این نمایش را برعهده دارد. شما می‌توانید بلیت‌های این نمایش ۷۰دقیقه‌ای را با قیمت ۱۵هزار تومان تا ۴۵هزارتومان از سایت مشهدگیشه بخرید و به دیدن این نمایش بروید.

نمایشگاهی با عطر رضوی

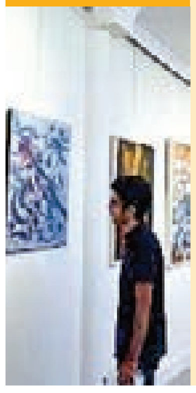

عصرهای بلند تابستان جان می‌دهد برای نگارخانه‌گردی و گرفتن فاز هنری. پیشنهاد می‌کنیم این هفته از نمایشگاه «کلک زرین» که در نگارخانه رضوان برپاست، غافل نشوید. این نگارخانه که در آن آثار نقاشی‌خط محمدعلی فراستی، محسن توسلی و علیرضا بهدانی به نمایش درآمده است، دوشنبه ۱۷تیر افتتاح شده است و تا ۲۳تیر هم ادامه دارد. نمایشگاه یادشده به‌مناسبت دهه کرامت برپا شده است و آثار آن شامل بداهه‌نگاری‌هایی مرتبط با امام‌رضا(ع) است. هنردوستان می‌توانند برای بازدید در نوبت صبح از ساعت ۹ تا ۱۳ و در نوبت عصر از ساعت ۱۷ تا ۲۰ به نگارخانه رضوان واقع در خیابان کوهسنگی، کوهسنگی ۱۷، پلاک ۱۶ مراجعه کنند.

پیش به سوی تنگل مراغه

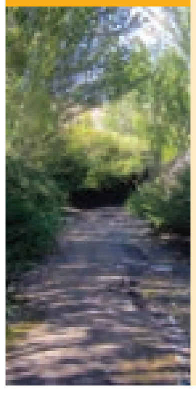

اگر تابه‌حال گذرتان به «تنگل مراغه» نیفتاده است، پیشنهاد می‌کنیم این آخر هفته شال‌وکلاه کنید و بروید به این دره سرسبز. این روستا که در همسایگی تعدادی روستای باطراوت دیگر قرار دارد، در میانه راه مشهد-فریمان است. اگر از مشهد عزم رفتن می‌کنید، باید ۴۰کیلومتر در جاده فریمان بروید، در منطقه «سنگ آتش» با مشاهده تابلوی راهنمای این روستاها به‌سمت راست بپیچید و ۲۰کیلومتر دیگر ادامه دهید تا به یک دوراهی برسید. یک سمت این دوراهی به تنگل مراغه می‌رسد. حالا، یک دره سرسبز با چشمه‌های فراوان در انتهای روستا انتظارتان را می‌کشد که می‌توانید فارغ از قیل‌وقال در جوار آن بنشینید و از طبیعت دلچسب آن حسابی لذت ببرید.

گزارش داغ

این روزها که بحث بیت‌کوین و چالش‌های استخراج آن داغ است، خیلی‌ها به‌دنبال پیدا کردن جواب یک سوال مهم درباره بیت‌کوین هستند؛ اینکه خالق این ارز دیجیتال ارزشمند که یک میلیون بیت‌کوین از ۲۱میلیون بیت‌کوین موجود در دنیا را دراختیار دارد، چه کسی است. بیت‌کوین با هویت جعلی به نام «ساتوشی ناکاموتو» ساخته شده است ولی تا امروز هیچ‌کس نمی‌داند ناکاموتو واقعا کیست اما به‌تازگی شواهدی پیدا شده است که نشان می‌دهد ساتوشی ناکاموتو کسی نیست جز پاول سولوتشی؛ یک قاچاقچی معروف کوکایین و اسلحه و نابغه نرم‌افزار که نرم‌افزارهای رمزنگاری E4M و TrueCrypt را توسعه داده است. سایت زومیت در مقاله‌ای با تیتر «آیا پاول لرو، همان ساتوشی ناکاموتو، خالق بیت‌کوین است؟» به شرح این ماجرا پرداخته است که خواندن آن دو شاخ بر سر آدم، سبز می‌کند.

جدول ۲۷۱۷

shahr.puzzle@shahrara.com

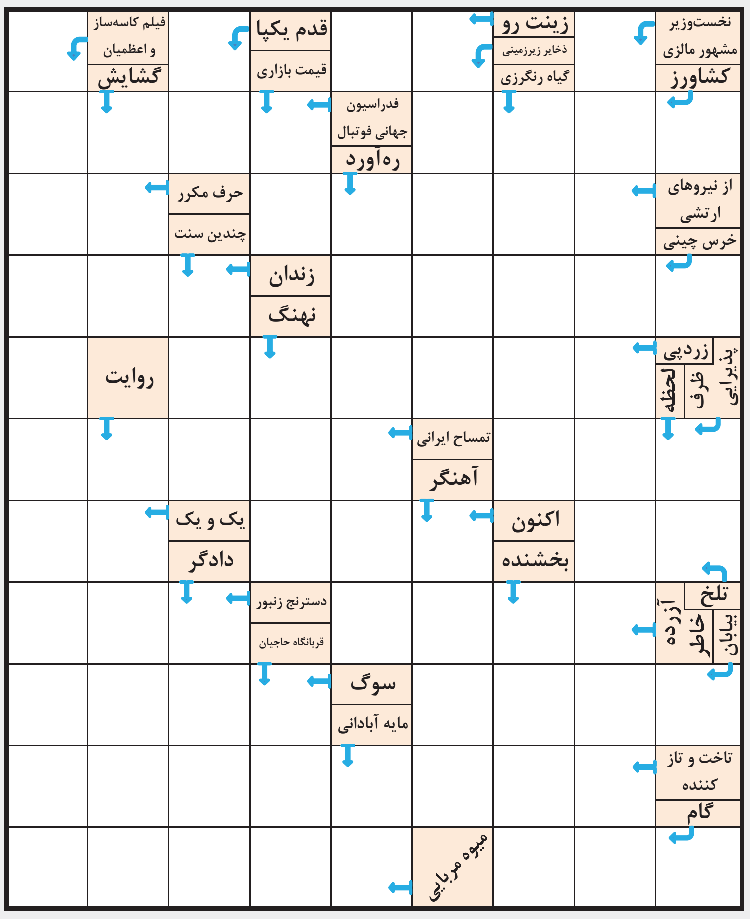

طراح: محمدرضا علیزاده

پاسخ جدول ۲۷۱۶

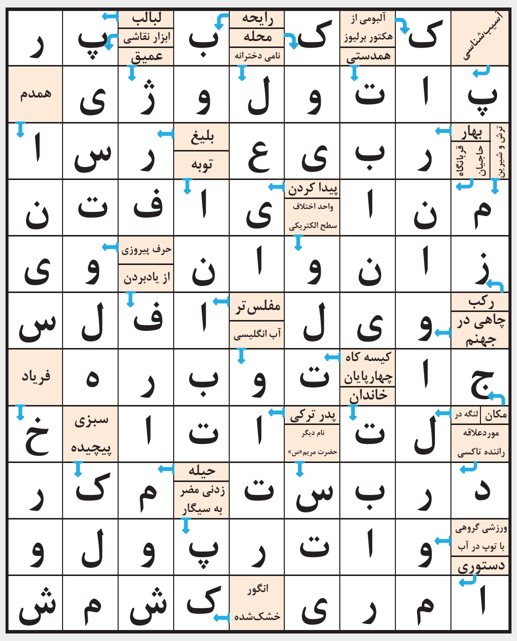

خبر

حاشیه‌های سریالی «گاندو»

پخش سریال گاندو در صدا و سیما واکنش‌های بسیاری را به همراه داشته است

پخش سریال گاندو از شبکه سوم، واکنش‌های مختلفی را در میان سیاسیون و مقامات کشور به دنبال داشته است. این سریال که به‌تازگی قسمت آخرش پخش شد، به موضوع شناسایی و دستگیری جیسون رضائیان (که در فیلم با نام مایکل هاشمیان نشان داده شده است) می‌پرداخت. تعریض‌های مختلف و نحوه بازنمایی مقامات دولتی در این سریال باعث شده است که حواشی مختلفی درخصوص این مجموعه تلویزیونی به وجود بیاید. درحالی که رسانه‌های اصلاح‌طلب از غیرواقعی بودن تصویر دستگاه دیپلماسی و محمدجواد ظریف در این سریال گلایه کرده‌اند، رسانه‌های اصول‌گرا در مقابل، ضمن تمجید از این سریال، با اشاره به مواضع انتقادی برخی دولت‌مردان، مخالفان سریال را به هم‌نوایی با معاندان متهم کرده‌اند. نخستین واکنش به این مجموعه از سوی حسام‌الدین آشنا، مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور بود که طی روزهای اخیر با توئیت‌های مختلف از گاندو انتقاد کرده بود.

روز گذشته نیز رئیس دفتر رئیس‌جمهور در حاشیه جلسه هیئت‌دولت درباره گاندو گفت: در ۶ سال گذشته، به این وضعیت صداوسیما عادت کرده‌ایم که در برنامه‌های مختلف همیشه سعی در انتقاد از دولت و برخورد جناحی یا حزبی با دولت دارند.

محمود واعظی افزود: تا جایی که امکان داشت، تلاش کردیم موضوع حل و شرایط آرام‌تر شود. فکر می‌کردیم در شرایطی که دشمن خارجی فشار وارد می‌کند و در کشور گرانی وجود دارد، صداوسیما با دولت که در خط مقدم جبهه است، همکاری و همراهی کند.

وی اضافه کرد: گروهی که برای ما گزارش نوشتند، اعلام کردند که متأسفانه جایگاه قوه قضائیه، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و وزارت خارجه‌ای که امروز خط مقدم جبهه در جنگ با دشمنان است و وزارت اطلاعات که از کشور صیانت می‌کند، تنزل داده شده است و برخورد بدی انجام داده‌اند.

علی نجفی خوشرودی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، نیز با تأکید بر اینکه سریال گاندو دیپلماسی را به سخره گرفت، گفت: نمایندگان مجلس عضو شورای نظارت بر صداوسیما گزارشی از بررسی‌ها و اقدامات نظارتی خود درباره این سریال را به مجلس ارائه کنند.

این عضو فراکسیون امید تصریح کرد: به‌صراحت تأکید می‌کنم اختلاف‌افکنی و شبهه‌پراکنی به‌ویژه در شرایط کنونی، مغایر اصول و آرمان‌های نظام و خلاف اصل وحدت و همبستگی است و اساسا روش مناسبی برای مقابله با آنچه که در این فیلم، «پروژه نفوذ» خوانده شد، نیست.

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان هم ضمن توضیحاتی در حاشیه جلسه هیئت دولت درباره اقدامات این وزارت‌خانه درخصوص انهدام پهپاد جاسوسی آمریکا در محدوده سرزمینی ایران و همکاری با ستاد کل نیروهای مسلح در این‌باره در کنایه‌ای تصریح کرد: ما اقدامات لازم را انجام دادیم؛ البته پول ساخت فیلم تبلیغاتی را نداریم.

جا کتابی

تصویر رنج بشر

الهام یوسفی| بگذارید برای یک‌بار هم که شده برخلاف معمول، معرفی کتاب را از معرفی نویسنده شروع کنیم. بگذارید این قاعده را به‌خاطر «سوزان سانتاگ»، نویسنده کتابی که امروز می‌خواهیم به شما معرفی کنیم، بشکنیم. خانم سانتاگ، نویسنده، نظریه‌پرداز ادبی و فعال سیاسی آمریکایی است؛ کسی که به نوشتن و صحبت کردن و بیشتر از همه این‌ها به سفر کردن به مناطقی که درگیری و جنگ در آن‌ها روی می‌داد، علاقه بسیار داشت؛ به همین دلیل در طول جنگ ویتنام و محاصره شهر سارایوو از حاضران در صحنه و فعالان عرصه نویسندگی بود. او به میدان می‌رفت و از نزدیک مشاهده می‌کرد و درنهایت مشاهداتش را در قالب مقالات متعددی درباره عکاسی، فرهنگ و رسانه، ایدز و بیماری، حقوق بشر و کمونیسم و ایدئولوژی چپ به رشته تحریر درآورد. او را «یکی از منتقدان بانفوذ نسل خود» نامیده‌اند.

کتابی که امروز از او معرفی خواهیم کرد، عنوان جالبی دارد؛ «نظر به درد دیگران». چند لحظه فکر کنید. به‌راستی این کتاب قرار است درباره چه چیزی حرف بزند؟ مسلما تداعی‌های بسیاری در ذهن شما شکل گرفته است. تابه‌حال به این فکر کرده‌اید که تصاویر رسانه‌های جهان از جنگ و فجایع انسانی و مرگ‌ومیر تا چه اندازه ممکن است بر شما اثر بگذارد؟ تصاویری از قساوت و وحشیگری و بی‌رحمی. شاید هیچ‌وقت به این واقعیت هولناک نیندیشیده باشید که ممکن است عکاسان، مستندسازان و رسانه‌های جهان با به تصویر کشیدن این فجایع، درک ما را از واقعیت جهان زایل کنند. آیا این مشاهده مکرر درد و رنج و جنایت، باعث خوکردن ما به خشونت نمی‌شود؟ سوزان سانتاگ در کتابش می‌خواهد به همین سوالات پاسخ گوید. او رویکرد تازه‌ای به هنر رسانه و عکاسی دارد و درک تازه‌ای از تصاویر امروزی جنگ و فاجعه ارائه می‌دهد. می‌توان کتاب او را در زمره کتب فلسفی قلمداد کرد و با رویکرد جزئی‌نگر آن را فلسفه کاربردی دانست. درحقیقت سانتاگ در کتابش، رویکردی این‌چنینی دارد و خواننده را به تامل عمیق‌تری درباره تاثیر و معنای تصاویر دنیای جنگ و خشونت دعوت می‌کند. کتاب او به‌همت نشر گمان و ترجمه احسان کیانی‌خواه، در ۱۶۳ صفحه و به قیمت ۲۵هزار تومان راهی بازار شده است. نسخه الکترونیکی کتاب نیز موجود است. بریده اثر: «... دگرگون کردن، کار هنر است، اما اگر عکسی که شاهد گویای وقایع مصیبت‌بار و شنیع است، «زیبا» به نظر برسد، یعنی وقتی بیش از حد به هنر شبیه باشد، مورد هجمه انتقادها قرار می‌گیرد. قدرت دوگانه عکاسی -در ثبت شواهد و در خلق آثار بصری در هنر- باعث شده است تا در مورد بایدها و نبایدهای عکاسان، گزافه‌گویی‌های جالب توجهی مطرح شود...»

نسخه الکترونیک از طاقچه